



افشین نیک‌روش

Afshin Nikravesh

نگارخانه

Esrar
Gallery

تهران - گروسالون
خیابان فردوسی
کوچه بوعلیخان - شماره 17

تلفن: 0212 8477464
فکس: 0212 8477473

No. 17, Behroozshan Alley,
Vazehshahr St.,
Karamkhan Zand,

15886 Tehran Iran
Phone: 0212 847 7464
Fax: 0212 847 7473



افشین نیکرवेश
۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ - تهران
۱۳۶۵ فوق لیسانس سازه های دریایی از دانشگاه آبی دانشگاه تهران
۱۳۶۹ لیسانس عمران از دانشگاه صنعتی شریف
عضو انجمن نقاشان ایران
برگزاری ۲ نمایشگاه انفرادی ۱۳۸۵ - ۱۳۸۷
شرکت در بیش از ۸ نمایشگاه گروهی ۱۳۸۶ - ۱۳۷۷

Afshin Nikravesh
1968: Born Tehran, Iran
1997: MS Marine Structure, Tehran University, Tehran, Iran
1999: BS Civil Engineering, Industrial University of Sharif, Tehran, Iran
Member of the Iranian Society of Painters
held 2 solo exhibitions since 2003
Participated in over 8 group exhibitions since 1999



Oil on plywood
Afshin

No other theme has been as popular in art history as the "self-portrait" in which the artist recreates the image of his or her "self".

However the "self" is a multilayered concept. In one interpretation it is an existence which carries my experiences, is with me at all times and is the source of my deeds. Here, the "self" seems like a single, solid and constant existence.

However, one should be weary of such an interpretation.

The "self" is the "self" in part because it has the possibility and capability of becoming the "other." "Self"-s can stand without, assess that which they see and within limits accept, change or discard that which they perceive. This concept also applies to the consciousness of the "self." Therefore, each "self" can be an "other" to itself. However, how can one become an "other" to one's "self" if that "other" is not one with the "self"?

Perhaps the "self" is that which in the process of interaction with others and its surroundings, is each time and continuously being recreated.

Many of our states such as shame, love and hate find an inherent and fundamental connection to the "other" and without these "others" such experiences will not have an external existence. In this context, the "self" is no longer a constant existence with definite boundaries but is a procedure the fluid nature of which is changeable depending on the reflexivity undertaken. The "self" is a verb and not a noun and this is exactly why it needs an "other."

The "other" is the main theme of my current exhibition; faces and figures which merge and conform and whom the viewer, despite discerning each, cannot separate them – individuals whom blend with one another to form other parts, which will then all form the entire painting.

I do not regard my subjects with a psychological outlook but rather I find "my" own sense and feeling in their forms. Here, the boundaries between the painter and his or her subject, becomes as fluid as that of the "self" and the "other."

شاید هیچ سوزدهای به اندازه "خود - نگاره" در تاریخ هنر عمومیت نداشته باشد. در این تجربه، هنرمند "خویشتن" را دوباره خلق می‌کند.

اما "خویشتن" مفهومی چند لایه است. به یک معاد موجودی است که تجربه‌های من را دارد. با من در طول زمان دوام دارد و منشاء کنش‌های من شده است. این "خویشتن" به نظر موجودیتی واحد، پیوسته، منجم و مداوم می‌آید. اما نسبت به چنین برداشتی می‌توان تردید نمود.

می‌توان گفت خویشتن تا حدی به این دلیل خویشتن است که امکان و توانایی "دیگر" شدن را دارد. خویشتن‌ها می‌توانند بیرون از خود باشند و آن چه را که می‌بینند ارزیابی کنند، و در محدوددهای خاص انتخاب کنند که آن چه را که به درک و تصور در می‌آورند، بپذیرند، تغییر دهند و با وانهد. این موضوع شامل آگاهی بر خویشتن هم می‌شود. پس هر خویشتن می‌تواند نسبت به خود "دیگری" باشد. اما چگونه می‌توان نسبت به خود "دیگری" شد، اگر آن "دیگری" با خود ما یکی نباشد؟

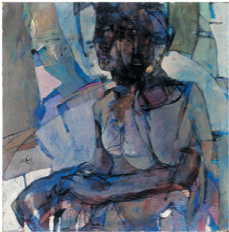
شاید خویشتن همان بودن است که در فرآیند تعامل با دیگران و محیط هر بار و دائماً آفریده و باز آفریده می‌شود.

بسیاری از حالات ما از قیاس شرم، عشق و نفرت، رفتاری ذاتی و اساسی به "دیگری" می‌یابند و بدون این دیگران چنین تجربی وجود خارجی نخواهند داشت. در این نظام، خویشتن، دیگر موجودیتی ثابت با برزهای قطعی و همین نیست. بلکه فرآیندی است که طبیعت سیال آن ما به انواع ارجاعات به خود لایق تغییر است. خویشتن فعل است و نه اسم. و دقیقاً هم اینجاست که بازماند "دیگری" خواهد بود.

دستمایه من برای نمایشگاه حاضر، "دیگری" است. صورت‌ها و اندام‌هایی که در هم تنیده و منحل می‌شوند و بیننده نمی‌تواند طی رژیم تشخیص آن‌ها، از یک دیگر تمکینان کند. آدم‌هایی که در هم محو می‌شوند و هر بخش بخش‌های دیگر را باز تولید نموده و همه با هم کل تکانی را.

من به مدلهایم نگاه روانشناسانه ندارم بلکه حس و حال "خود" را در کالبد آنها باز می‌نمایم. مرز میان نقاشی و سوزده در اینجا به همان سیالیت میان "خویشتن" و "دیگری" است.

Oil on plywood
2006



Oil on plywood
2006

Oil on plywood
panels, 60x70cm, overall
with: 60x60cm



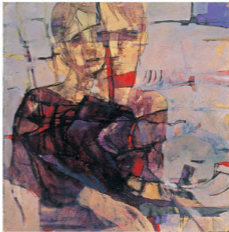
Oil on plywood
1940s



Oil on plywood
1940s



Oil on plywood
60x60cm



Oil on plywood
60x60cm